

تجزیه و تحلیل گفتمانی اسلام‌گرایی در ترکیه و تأثیر آن بر سیاست خارجی آنکارا

(مطالعه موردی: روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۵)

علی امید^۱

دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان

مصطفی خیری

دانشجوی دکتری گروه روابط بین‌الملل دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان

(تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۲۹ - تاریخ تصویب: ۹۴/۴/۲۶)

چکیده

این پژوهش با بررسی و تبیین شکل‌گیری گفتمان اسلام‌گرایی در ترکیه معاصر، به نقش و تأثیر آن بر سیاست خارجی دولتمردان جدید (با تأکید بر حزب عدالت و توسعه) در این کشور می‌پردازد. طبق یافته‌های پژوهش که براساس روش تحلیل گفتمان لاکلاو-موفه به‌دست آمده است، اسلام‌گرایان نوین ترکیه (در قالب حزب عدالت و توسعه) بازیگرانی‌اند که به‌طور عملی توانسته‌اند یکی از دال‌های مرکزی گفتمان کمالیستی مبنی بر پیروی بی‌قید و شرط از سیاست‌های غرب، از جمله عدم چالش رژیم صهیونیستی را در این کشور به روش‌های دمکراتیک و مسالمت‌جویانه تضعیف‌کنند. گفتمان تازه اسلام‌گرایی را با شاخص‌هایی چون هم‌زیستی بین اسلام، مدرنیسم و دموکراسی، در این کشور به منصفه ظهور برسانند. حاکمیت گفتمان اسلام‌گرایی در داخل و نوع‌گمانی‌گرایی برخاسته از دل آن به منزله دکنترین سیاست خارجی به تنش نسبی در روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی منجر شده است. ولی غیریت‌سازی گفتمان اسلام‌گرایی ترکیه ضرورتاً ضدغربی و ضد رژیم صهیونیستی نیست، بلکه با ظرفیت هم‌زیستی دارد، همان‌گونه که حجم مبادلات تجاری ترکیه و رژیم صهیونیستی در دوره اردوغان نه تنها کاهش نیافته، بلکه افزایش اندکی نیز داشته است.

واژگان کلیدی

رژیم صهیونیستی، تحلیل گفتمان لاکلاو-موفه، ترکیه، سیاست خارجی.

مقدمه

در دهه ۱۹۹۰ و در دوره جنگ سرد به علت حاکمیت گفتمان کمالیستی، رویکرد غرب گرایانه افراطی بر سیاست خارجی ترکیه حاکم بود. از زمان تأسیس جمهوری ترکیه نخبگان کمالیست معتقد بودند که ترکیه مدرن و مستقل تنها از طریق غربی شدن در خور تحقق است. رژیم صهیونیستی و لابی قدرت مند یهودی در جوامع غربی حلقه اتصال ترکیه با جوامع غربی به شمار می رفت. غرب گرایی، ناسیونالیسم و سکولاریسم عناصر هویت رسمی و دولتی ترکیه (گفتمان کمالیستی) محسوب می شدند. سکولاریسم ترکیه به طور صرف، ناظر بر تفکیک نهاد دین و دولت نبود، بلکه خواهان تسلیم دین در برابر قوانین حکومتی بود. از سال ۲۰۰۲ میلادی که حزب عدالت توسعه در ترکیه قدرت را به دست گرفت، به خصوص از زمان طرح «راهبرد عمق استراتژیک» توسط وزیر امور خارجه سابق این کشور احمد داوود اوغلو، گفتمان جدیدی با عنوان «نوعثمانی گری» در ترکیه رواج یافت که بر اساس آن دولت مردان ترک توجه بیشتری به کشورهای مسلمان خاورمیانه نشان دادند. با اتخاذ گفتمان نوعثمانی گری در سیاست خارجی این کشور، روابط دو کشور ترکیه و رژیم صهیونیستی پس از سالها دچار دگرگونی شد. احمد داوود اوغلو معتقد است ترکیه به دلایل تاریخی و جغرافیایی هویت های چندگانه منطقه ای دارد و در نتیجه نمی تواند با پشت کردن به این هویت های خود سیاست خارجی موفقی داشته باشد. وی بر این باور است که ترکیه در میان تعدادی از حوزه های ژئوپلیتیک مثل خاورمیانه، جهان اسلام، غرب (اروپا و آمریکا) و آسیای مرکزی قرار دارد. ترکیه در شرایطی می تواند به صورت قدرت منطقه ای نمایان شود که با همه این حوزه ها و همه همسایگان روابط خوبی داشته باشد (Davutoğlu, 2001: 132).

«الکساندر ونت» یکی از نظریه پردازان سازه نگاری در روابط بین الملل به درستی مدعی است که هویت و منافع بازیگران، بیش از آنکه از ساختار نظام بین الملل تأثیر بپذیرد، به ساختارهای داخلی وابسته است. «والری هودسون» بر این باور است که وقتی از فرهنگ و هویت ملی و رابطه آن با سیاست خارجی بحث می کنیم باید به پاسخ هایی دقت کنیم که مردم به سه پرسش زیر می دهند: «چه کسی هستیم؟ چه کسی هستند؟ و چه کاری انجام خواهیم داد؟» (Hudson, 2007:104-105). هرگونه تغییر در سیاست، فرهنگ و اجتماع ترکیه تأثیرهایی بسیار زیادی بر روابط رژیم صهیونیستی و ترکیه به منزله قدرت های مهم منطقه خواهد داشت. سؤال اصلی تحقیق به این مسئله برمی گردد که تحول گفتمان هویتی از کمالیسم به گفتمان اسلام گرایی چه بازتاب و انعکاسی بر مؤلفه های سیاست خارجی ترکیه در رابطه با رژیم صهیونیستی بر جای گذاشته است؟ در پاسخ و به عنوان فرضیه پژوهش باید گفت با هژمونی گفتمان اسلام گرایی و تعهد آن بر حاکمیت قانون، گسترش دموکراسی، جامعه مدنی و انجام

اصلاحات مورد نظر اتحادیه اروپا از نفوذ نظامیان به‌منزله حامیان روابط ترکیه- رژیم صهیونیستی در سیاست کاسته شد و در مقابل بر وزنه افکار عمومی، مخالفان تجاوزات رژیم صهیونیستی به مردم فلسطین، افزوده شد. از سوی دیگر با پیروزی اسلام‌گرایان بر کمالیست‌ها گفتمان نوعثمانی‌گرایی (پیرامون‌گرایی) در سیاست خارجی جایگزین سیاست خارجی غرب‌گرایانه افراطی کمالیستی شد که نتیجه آن نیز تنش مدیریت‌شده در روابط ترکیه با رژیم صهیونیستی از سال ۲۰۰۲ به بعد است.

مباحث نظری

در تحلیل گفتمان، دیگر صرفاً با عناصر تشکیل‌دهنده جمله عمده‌ترین مبنای تشریح معنا سروکار نداریم، بلکه فراتر از آن به عوامل بیرون از متن، یعنی بافت موقعیتی^۱، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، ارتباطی و جزآن سروکار داریم. تحلیل گفتمانی یا نظریه گفتمان به بررسی نقش اعمال و عقاید اجتماعی معنادار در زندگی سیاسی می‌پردازد (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۵۶). هیچ‌چیز به خودی خود دارای هویت نیست؛ اعمال، گفتار و پدیده‌ها زمانی معنادار و قابل فهم می‌شود که در چارچوب گفتمانی خاصی قرارگیرد (تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۶). فوکو معنابخشی را محصول گفتمان و نظام‌های متفاوت معرفت و این معنای به‌دست‌آمده را مترادف با حقیقت می‌داند؛ یعنی، حقیقت ناب نداریم و حقیقت گفتمانی است. او معتقد است معنای به‌دست‌آمده از هر گفتمانی به ما می‌گوید: «چه چیزی درست و یا چه چیزی غلط است، جستجوی حقیقت ناب بیرون از گفتمان کاری بیهوده است» (حسینی‌زاده، ۱۳۸۴: ۷۸).

برداشتی که ارنست لاکلاو و شنتال موفه از گفتمان دارند بیانگر ویژگی رابطه‌ای هویت است. معنای کلمات و اعمال را باید با توجه به زمینه‌ای کلی که آن‌ها جزئی از آن‌اند فهمید (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۶۲). مفصل‌بندی کنشی است که میان عناصر مختلف مانند مفاهیم، نمادها، اعمال و جزآن چنان رابطه‌ای ایجاد می‌کند که هویت اولیه آن‌ها دگرگون شود و هویتی جدید بیابد. از این‌رو هویت گفتمان، در اثر رابطه‌ای شکل می‌گیرد که از طریق عمل مفصل‌بندی میان عناصر گوناگون به وجود می‌آید (تاجیک، ۱۳۸۳: ۴۶). «هر عملی که منجر به برقراری رابطه بین عناصر شود به نحوی که هویت این عناصر در اثر مفصل‌بندی تعدیل و تعریف شود، مفصل‌بندی می‌نامیم. کلیت ساخت‌مند حاصل از این عمل مفصل‌بندی نیز گفتمان نامیده می‌شود» (Laclau and Moaffe, 1985: 105).

دال‌ها، اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی است که در چارچوب‌های گفتمانی خاص، بر معانی خاصی دلالت می‌کند. معنا و مصداقی که دالی بر آن دلالت می‌کند،

مدلول نامیده می‌شود. دال شناور دالی است که مدلول‌های آن ثابت نیست؛ یعنی، مدلول‌های متعددی دارد. برخلاف دیدگاه سوسوری، در دیدگاه لاکلاو و موفه رابطه بین دال و مدلول ثابت نیست و همواره در تغییر است (سلطانی، ۱۳۸۳: ۸۲). دال مرکزی نشانه‌ای است که سایر دال‌ها حول محور آن نظم می‌گیرد. دال مرکزی هسته مرکزی منظومه گفتمانی به شمار می‌رود. ایجاد رابطه خصمانه منجر به تولید دشمن و دیگری می‌شود که برای تأسیس مرزهای سیاسی امری ضروری است. تجربه ضدیت برقراربودن هویت را نشان می‌دهد (Laclau, 1990: 10). هویت‌یابی گفتمان صرفاً در تعارض با گفتمان‌های دیگر امکان‌پذیر است. هویت تمامی گفتمان‌ها منوط و مشروط به وجود غیر است. از این‌رو، گفتمان‌ها همواره در برابر خود غیریت‌سازی می‌کنند (عضدانلو، ۱۳۷۵: ۶۲). گفتمان‌های غیر به حاشیه رانده می‌شود، دائماً در تلاش است تا معنایی جدید از وقته‌ها (دال‌های تثبیت‌شده) ارائه کند و ثبات موقت معنایی را که گفتمان مسلط ایجاد کرده است برهم بزند. بنابراین، دال‌ها همواره در معرض بی‌قراری معنایی و شناورشدن است. اگر ثبات معنایی دال‌های گفتمان از میان برود، ثبات آن گفتمان از میان خواهد رفت. در واقع، دچار بی‌قراری و بحران هویت خواهد شد. خصومت عملکردی دوسویه دارد، از یک‌طرف هستی گفتمان را تهدید می‌کند و مانع تثبیت گفتمان‌ها می‌شود و از طرف دیگر سازنده هویت و عامل انسجام گفتمانی است (منوچهری، ۱۳۹۰: ۱۱۸).

آیا گفتمان بر جامعه مسلط می‌شود و به مقام هژمونی می‌رسد؟ در این باره اختلاف نظر وجود دارد. از دید فوکو ماهیت فراگیر و سلطه‌طلب گفتمان باعث می‌شود که گفتمانی با وجود گفتمان‌های رقیب به منزلت هژمونی برسد. ولی لاکلاو و موفه معتقدند سرشت سیال زبان اجازه تثبیت کامل معنا را نمی‌دهد، در نتیجه امکان تفوق کامل و دائم گفتمان وجود ندارد. در هژمونی معنا و مدلول دال‌ها تثبیت می‌شود (هوارث، ۱۳۷۸: ۲۰۹). مفهوم انسداد یا توقف به تثبیت معانی نشانه اشاره دارد. این انسداد دائمی نیست. در واقع، انتقال از حالت عنصر به وقته هیچ‌گاه به شکل کامل اتفاق نمی‌افتد (Laclau and Moaffé, 1985: 110). گفتمان‌ها برای تثبیت معانی نشانه‌ها به برجسته‌کردن معانی مورد نظر خود و طرد معانی دیگر مبادرت می‌کند. پس در سایه هژمونی رابطه بین دال و مدلول تثبیت می‌شود. گفتمان‌های رقیب از طریق ساختارشکنی سعی دارد در معانی تثبیت‌شده دال‌ها تزلزل ایجاد کند و در صورت موفقیت فروپاشی گفتمان مسلط را شاهد خواهیم بود. هدف از ساختارشکنی، از میان بردن این ثبات معنا و شکستن هژمونی گفتمان رقیب است. بنابراین، همه گفتمان‌ها خصلت امکانی و موقتی دارد و هیچ‌گاه تثبیت نمی‌شود (Laclau, 1990: 28). منازعات معنایی میان گفتمان‌ها پیوسته در جریان است. هر گفتمانی در تلاش است با طرد معنای «دیگری» معنای «خودی» را حفظ کند. گفتمان‌ها همواره غیر را به حاشیه می‌رانند و خود را برجسته می‌کند. اما حاشیه‌رانی غیر هر

اندازه نیز شدید باشد، نمی‌تواند رقیب را به طور کامل از صحنه چالش و رقابت حذف کند. بنابراین، همیشه امکان بازسازی و «بازگشت سرکوب‌شدگان» وجود دارد (منوچهری، ۱۳۹۰: ۱۲۰). از دید لاکلاو تمام گفتمان‌ها و پروژه‌های هژمونی در معرض تهدید سوژه‌ها و گفتمان‌های رقیب قرار دارد (Jorgensen & Phillips, 2002: 48). توجه به این نکته نیز لازم است که غیریت‌سازی طیفی از مفاهیم را، از رقابت تا دشمنی و سرکوب خشونت‌بار، دربرمی‌گیرد. بنابراین، رابطه خود و دیگری همیشه خصمانه نیست. هرچه ظرفیت گفتمان‌ها برای تبدیل خصومت به رقابت بیشتر باشد، موقعیت آن‌ها بیشتر تثبیت خواهد شد.

هنگامی «قابلیت دسترسی» یعنی گفتمان در زمینه و موقعیتی در دسترس افکار عمومی قرار می‌گیرد که هیچ گفتمان دیگری به منزله رقیب و جایگزین به شکلی هژمونی در عرصه رقابت حضور نداشته باشد (Laclau, 1990: 66). اگر بحران اجتماعی آن‌قدر شدید باشد که سراسر نظم گفتمانی حاکم را متزلزل سازد، در دسترس‌بودن یا همان «قابلیت دسترسی» به تنهایی قادر است پیروزی گفتمان را تضمین کند (بابی، ۱۳۷۹: ۸۷). البته، این نشان‌دهنده صدق گزاره‌ها و استحکام عقلانی آن‌ها در ذهن مردم نیست یا اینکه مردم محتوایش را دوست دارند، بلکه بدان علت است که در شرایط بی‌نظمی، نیاز به نظم از همه چیز مهم‌تر است و محتوای این نظم، دغدغه ثانویه خواهد بود (Laclau, 1994: 3). دومین مفهوم «قابلیت اعتبار» یعنی سازگاری اصول پیشنهادی گفتمان با اصول بنیادین جامعه است (حقیقت، ۱۳۸۵: ۵۱۵). همواره در تمامی جوامع، اصول عامی وجود دارد که مورد پذیرش اکثریت است.

مفصل‌بندی ارزش‌های اسلامی و اصول لیبرال دموکراسی در ترکیه دوره حزب عدالت و توسعه

کمالیسم به اصلاحات سیاسی و اجتماعی دولتی و از بالا به پایین مصطفی کمال اطلاق می‌شود که هدف آن ایجاد جامعه و دولت سکولار در ترکیه بود (Yavus, 2003: 31). گفتمان کمالیستی بر شکل‌گیری و حفظ دولت ملی با استقلال کامل و رسیدن ترکیه جدید به سطح مدنیت معاصر (به معنای مدنیت اروپایی) مبتنی بود (Aydin, 1999: 171). این گفتمان توانسته بود مفاهیمی همچون غرب‌گرایی، سکولاریسم، ناسیونالیسم و جمهوریت را مفصل‌بندی کند. در میان عناصر مفصل‌بندی‌شده عنصر سکولاریسم با تعریف کمالیستی بیش از سایر عناصر ارزش‌های اسلامی جامعه را هدف قرار داده است. در تعریف کمالیستی، سکولاریسم نه به معنای جدایی دولت و مذهب بلکه در پی کنترل دولت بر مذهب بود. در سیاست خارجی، کمالیست‌ها فاصله‌گیری از میراث‌های عثمانی و پان‌اسلامیسم را پیگیری می‌کند و به دنبال راهی برای بسط روابط با کشورهای مسیحی غربی است (Aydin, 1999: 171).

علی‌رغم سیاست‌های سکولاریستی گفتمان کمالیستی، اسلام همچنان قواعدی برای تنظیم و تأسیس حیات روزانه مردم داراست. سیاست‌های سفت‌وسخت کمالیست‌ها باعث شد تا بسیاری از مردم اسلام را راه چالشی با حاکمان خود ببینند و از آن بهره‌گیرند. حزب عدالت و توسعه با بنیان‌های اسلامی و مدرنیته تعریف کمالیستی از سکولاریسم را به چالش کشیده و مفصل‌بندی جدیدی از مفاهیم و عناصر ارائه کرده است که در سایه آن از التهاب‌ها و برخوردهای موجود در جامعه ترکیه میان کمالیست‌ها و گروه‌های اسلامی کاسته شد. این حزب توانست مفاهیمی همچون دموکراسی، حقوق بشر، آزادی بیان، سنت‌های جامعه ترکیه و ارزش‌های اسلامی را مفصل‌بندی کند و گفتمان جدیدی را به وجود آورد. تعریف اردوغان از حزب خود به منزله حزب دموکرات و محافظه‌کار به خوبی بیانگر این عناصر مفصل‌بندی‌شده است. این حزب در واقع خود را نمونه ترک و اسلامی احزاب دموکرات مسیحی محافظه‌کار اروپایی می‌داند و توانسته است سنتی از اسلام و سکولاریسم (کم‌مایه) ارائه دهد که در آن ارجاعات مذهبی جایگاهی هر چند محدود در عرصه سیاست خارجی ترکیه دارد (Keddie, 2003: 23).

مذهب‌زدایی گفتمان کمالیستی و تشدید فرایند غیریت‌سازی

شناسایی دو گفتمان متفاوت و بعضاً متخاصم که با هم رابطه غیریت‌ساز برقرار کرده‌اند، گامی اساسی در تحلیل پدیده‌های سیاسی در چارچوب این نظریه است. هویت تمامی گفتمان‌ها مربوط و مشروط به وجود غیر است. به همین دلیل گفتمان‌ها در برابر خود غیریت‌سازی می‌کنند. هیچ هویت ثابت، دائمی و از پیش تعیین‌شده‌ای وجود نخواهد داشت. هویت‌ها را گفتمان‌ها ایجاد می‌کند و شکل‌گیری گفتمان بر شکل‌گیری هویت‌ها مقدم است (Smith, 1998: 56). گفتمان کمالیستی در ترکیه، اسلام‌گرایان را غیرداخلی و کشورهای اسلام و اعراب را غیرخارجی خود به شمار می‌آورد. یکی از علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه در دهه‌های اخیر، اقدام‌ها و برنامه‌های کمالیست‌ها، از جمله سیاست‌های مذهب‌زدایی، و کم‌رنگ‌شدن ارزش‌ها و هنجارهای دینی است که به نحوی، فرایند غیریت‌سازی را تشدید می‌کرد. اسلام گرچه ممنوع اعلام نشد، اما حکومت آن را به حاشیه راند و دین‌گرایی به نمادی از عقب‌ماندگی تبدیل شد که صرفاً توده‌های سنت‌گرای ساکن در آناتولی مرکزی با این ویژگی شناخته می‌شدند. کمالیسم اسلام را نماد رکود و عقب‌ماندگی یعنی نشانه غیرغربی (سپس غیرمدرن) در جوامع خود قلمداد می‌کرد. سکولاریسم در ترکیه در دهه ۱۹۲۰ به دست مصطفی کمال، بنیانگذار کشور نوین ترکیه، بر اساس الگوی سکولاریسم فرانسه، پایه‌گذاری شد. الگوی سکولاریسم فرانسوی، برخاسته از انقلاب فرانسه بود که با مذهب سر ناسازگاری

داشت و آن را نشانه‌ای از عقب‌ماندگی و خرافه‌پرستی می‌دانست که باید با بهره‌گیری از عقلانیت نوین علمی، از دامن جامعه زدوده شود. متلاشی‌کردن قدرت و اعتبار مذهب در ترکیه نوین با وجود نوآوری‌های مهم، زخم‌های اجتماعی و روانی فراوانی بر پیکر جامعه این کشور برجای گذاشت. در مقابل اسلام‌گرایان، کمالیست‌ها و نظامیان طرفدار نظام و اصول کمالیستی را دیگر داخلی و غرب را دیگر خارجی خود تعریف می‌کنند.

قابلیت دسترسی و اعتبار گفتمان اسلام‌گرایی

قابلیت دسترسی تبیین می‌کند که چرا در شرایط بحرانی برخی گفتمان‌ها با اقبال عمومی مواجه و پذیرفته شده است. گفتمان‌هایی با استقبال مواجه می‌شوند که بتوانند در هنگام بحران خلأ معنایی ایجاد شده را پرکنند، به مشکلات ایجاد شده پاسخ مناسبی دهند و اصولی را برای فهم شرایط آشفته ارائه کنند. البته، صرف در دسترس بودن و ارائه اصول کافی نیست. یکی از شرایط پذیرش گفتمان قابلیت اعتبار آن است؛ یعنی، اصول پیشنهادی گفتمان نباید با اصول اساسی و گروهی اجتماعی ناسازگار باشد (Laclau, 1990: 66). اقدام‌های اسلام‌ستیزانه کمالیست‌ها هم‌زمان با غرب‌گرایی شدید در ساختارهای جامعه ترکیه باعث آزردن خاطرشدن انسان‌هایی شد که هنوز باورهای شدید مذهبی داشتند. مذهب در ترکیه همواره اصلی عام و معیار اعتبار بوده است و گفتمان‌هایی که ضدیت با مذهب را در پیش گرفته‌اند، اعتبار خود را از دست داده و از جانب مردم طرد شده‌اند. تنها راه مقبولیت و فراگیرشدن آن‌ها، پذیرش اصول و ارزش‌های اسلامی است. سکولاریسم به سبک کمالیست‌ها و اصلاحات غرب‌گرایانه که هدف آن‌ها جداکردن جامعه ترکیه از گذشته و ریشه‌های اسلامی آن بود با مخالفت اسلام‌گرایان میانه‌رو همراه بود. بعد از تأسیس جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳ پروسه سکولاریزه‌کردن صددردصد طبق خواسته کمالیست‌ها پیش رفت. نخبگان حکومتی کاملاً نتوانستند به درون جامعه نفوذ کنند و جامعه سنتی را تغییر دهند. در ایجاد سیستم ارزشی و حیات اجتماعی جایگزین برای عموم مردم کاملاً موفق نبودند. در مقابل، گروه‌های سیاسی و اجتماعی اسلام‌گرا با پیشینه‌های متفاوت توانستند خلأ موجود را پرکنند و الگوی اخلاقی و اجتماعی جایگزین را مفصل‌بندی کنند و اسلام معتدل یا مدرن‌شده را با سکولاریسم ترکیب کنند (Bal, 2000: 232). در حالی که گفتمان دولتی کمالیستی تا آن زمان از طرح ایده و رهنمودهای لازم برای طبقه تازه‌شهری‌شده فقیر و طبقه متوسط جدید ظهور یافت، در آناتولی شکست خورده بود.

در برنامه حزب عدالت و توسعه، پذیرش دموکراسی مورد اشاره اتحادیه اروپا بدون نفی ارزش‌های سنتی و بومی جامعه ترکیه مورد تأکید است. عبدالله گل در این راستا معتقد است

که «ما می‌خواهیم ثابت‌کنیم یک جامعه مسلمان در حالی که ارزش‌ها، سنت‌ها و هویت خود را حفظ می‌کند، قادر است به انجام تغییرها و نیل به استانداردهای معاصر نیز دست‌یابد» (Gule, 2004). هدف اصلی حزب عدالت و توسعه، ادغام ارزشهای مدرن (دموکراسی) با ارزش‌های محلی (اسلام) است. این حزب حزبی محافظه‌کار است. در حالی که از اهمیت ارزش‌های دینی و مذهبی در سیاست‌های حزبی خود غفلت نمی‌کند، بر ارزش‌های مدرنیته، حقوق بشر و حاکمیت قانون نیز تأکید می‌کند (Taniyici, 2003: 463-83). در واقع، اصول مورد نظر گفتمان اسلام‌گرایی با اصول مورد توافق جامعه همخوانی داشت و مورد اقبال جامعه قرار می‌گرفت. حزب عدالت و توسعه توانست با موفقیت فرهنگ اسلامی را با دموکراسی ترکیب کند و مفصل‌بندی جدیدی از هم‌زیستی بین اسلام و غرب ارائه دهد که به لحاظ تاریخی بی‌نظیر است (Dagi, 2005: 34). در حالی که گفتمان کمالیستی میراث‌های جامعه را طرد می‌کند، حزب عدالت و توسعه اسلام و میراث‌های به‌جامانده از دوران عثمانی را فاکتوری مثبت در نزدیکی به خاورمیانه و ادغام کردها در سیستم می‌دانند (Dinc & Yetim, 2012: 74).

واسازی گفتمان کمالیستی توسط اسلام‌گرایان

واسازی و شالوده‌شکنی به معنی نشان‌دادن تقابل‌ها، تناقض‌ها و دوگانگی‌هایی است که طبیعی به نظر می‌رسد. واسازی در صدد است از طریق بازخوانی و بازنگری وضع موجود غیرطبیعی و نامشروع و غیرمنطقی بودن آن را نشان دهد. در حقیقت، نظم موجود به مثابه متنی است که در فرایند تاریخ و زمان نوشته شده است. زمان‌مند و مکان‌مند است و تحت شرایط معین و با نیروهایی خاص به وجود آمده است. استمرار هژمونی آن بر جامعه نوعی مشروعیت نیز برای آن به همراه آورده است. در واسازی تلاش می‌شود مشروعیتی که در گذار زمان کسب شده از آن سلب شود. با توصیف و تبیین ماهیت ناعادلانه نظم مستقر از آن مشروعیت‌زدایی می‌شود. اسلام‌گرایان به این دلیل از طرح کمالیسم انتقاد می‌کنند که معتقدند کمالیسم تمدن را به‌طور صرف در تمدن اروپایی / غربی خلاصه می‌کند. همچنین، از اراده اقتدار سیاسی برای «تغییر تمدنی» کشور آزرده‌خاطرند (Gole, 1995: 21).

از طرف دیگر، اسلام‌گرایان معاصر معتقدند که یکی از عوامل مهم جلوگیری از عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، نخبگان کمالیست است، زیرا به بهانه امنیت ملی با اصلاحات دموکراتیک در ترکیه مخالفت می‌کند. بنابراین، اسلام‌گرایان معتقدند که اراده کمالیست‌ها به‌منظور مشارکت در تمدن اروپایی اراده‌ای جدی نیست (Kuru, 1999: 2). آکدوغان، یکی دیگر از نظریه‌پردازان حزب عدالت و توسعه، استدلال می‌کند که به‌منظور محافظت از آزادی‌های دینی در ترکیه، سکولاریسم باید از چشم‌اندازی دموکراتیک بازتعریف شود. به نظر او، تعریفی

محدود از سکولاریسم، آن‌طورکه کمالیست‌ها می‌گویند، به نوعی ایدئولوژی انحصارگرا، تمامت‌خواه و ژاکوبینی تبدیل‌شده به مناقشات اجتماعی دامن می‌زند (Akdogan, 2003: 105). آمریکا از سکولاریسم موجود در ترکیه به دلیل ناسازگاری آن برای دیگر کشورهای منطقه انتقاد می‌کند. بنابراین، هم اسلام‌گرایان ترکیه و هم سیاستمداران امریکایی از گفتمان کمالیسم به سبب ناسازگاری با دموکراسی انتقاد می‌کنند (Graham, 2003: 98-105). حزب عدالت و توسعه درصدد بوده است دال سکولاریسم را از مدلول آن جدا کند؛ مدلولی که گفتمان کمالیستی به آن نسبت داده بود و تفسیری جدید ارائه می‌دهد.

تبیین دلایل اختلافات در روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی

بروز اختلافات و تنش نسبی در روابط ترکیه و اسرائیل پس از ۲۰۰۲ را می‌توان تحت مقولات پنجگانه زیر تجزیه و تحلیل کرد.

الف) غربگرایی تعدیل‌یافته در سیاست خارجی ترکیه

گفتمان کمالیستی در سیاست خارجی خود شرایط حذر از خاورمیانه را برای دهه‌ها دنبال می‌کرد و برقراری روابط دوستانه با دولت‌های خاورمیانه را تهدیدی احتمالی برای فرایند غربی‌شدن خود می‌پنداشت (Bugra, 2010: 209). سیاست خارجی ترکیه در دوران رهبری تورگوت‌اوزال از کمالیسم به نئوعثمانیسم تغییر اساسی داد. مشخصه بارز دوران او بازسازی اقتصادی و سیاست خارجی فعال و سیاست داخلی محکم و استوار وی بود (Morinson, 2007: 946).

گفتمان اسلام‌گرایی حزب عدالت و توسعه، اسلام و میراث‌های به‌جامانده از دوران عثمانی را فاکتوری اساسی در توسعه روابط با کشورهای مسلمان منطقه می‌داند. در سال ۲۰۰۴ داود اوغلو دکتورین سیاست خارجی جدید ترکیه، «مشکل صفر با همسایگان» و «عمق استراتژیک» را مفصل‌بندی کرد. دکتورین اعلانی از یک‌طرف بر توسعه روابط با همسایگان از جمله ایران و سوریه و از طرف دیگر بر رهبری جنبش‌های اسلامی مانند اخوان المسلمین مصر، حماس و سازمان کنفرانس اسلامی تأکید دارد (Arbell, 2014: 26). راهبرد جدید بیانگر عزیمت قوی از گفتمان کمالیستی و تغییر تدریجی در سیاست خارجی خاورمیانه‌ای ترکیه است (Gerecht, 2011: 59). کتاب عمق/استراتژیک احمد داود اوغلو دکتورین سیاست خارجی ترکیه را تشکیل می‌دهد. از نگاه داوود اوغلو، ترکیه اگر بخواهد عثمانی‌گری را در سیاست خارجی خود پیاده کند و بر اساس عمق راهبردی خود حرکت کند، با دو مسئله روبه‌روست: اول باید مشکلات داخلی از جمله شکاف بین اسلام‌گرایان و سکولارها را حل کند. دوم اینکه

اختلافات خود با همسایگانش را حل کند (طباطبایی و فضل‌خانی، ۱۳۹۲: ۴). اگر ترکیه بخواهد به قدرت منطقه‌ای و جهانی تبدیل شود باید مشکلات خود را با همسایگانش حل کند (Grigoriadis, 2010: 4-5). نوعثمانی‌گری الگوی سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه به‌ویژه در حوزه خاورمیانه است.

در داخل ترکیه، حزب عدالت و توسعه به روایتی جدید از ناسیونالیسم ترک رسید که هم با قرائت‌های قبلی تفاوت‌های داشت و هم با تاریخ و جامعه ترکیه قرابت بیشتری می‌توانست داشته باشد. پذیرش تکثر هویتی و قومی در ترکیه و همین‌طور ارائه بسته راه‌حل دموکراتیک در سال ۲۰۰۹ در همین چارچوب بود. در عین حال، اردوغان مدعی قرائتی از ناسیونالیسم ترکی است که رگه‌های قدرت‌مندی را از دوران عثمانی حمل می‌کند. وی نقش یا اولویت مذهب تسنن مداراگرا در هویت ترکی و ملی‌گرایی را افزایش و نقش و ارزش نظامی‌گری را کاهش داد. سخنان اردوغان بیانگر جهت‌گیری‌های جدید در سیاست خارجی ترکیه است. وی می‌گوید: «زمانی ترکیه‌ای وجود داشت که از سایه خود می‌ترسید. از ملت خود می‌ترسید. در رابطه با مسائل بین‌المللی ترکیه قدیم در پشت قدرت‌های بزرگ مخفی شده بود... ما پرستیژ بین‌المللی ترکیه را بالا بردیم. ما صدای ملت‌های مظلوم در فلسطین، مصر، عراق، افغانستان و میانمار شدیم» (Toni, 2015:12). اردوغان خود را حامی کشورهای اسلامی ضعیف و گروه‌های سنی می‌داند (Byrant & Hatay, 2013:2). ترکیه نقش‌های جدیدی را در سیاست خارجی برعهده گرفته است؛ نقش‌هایی همچون برادر بزرگ‌تر تاریخی و حامی اقلیت‌های مسلمان (Gürzel, 2014: 98). پیروزی اردوغان در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۷ مصادف شد با اعلان علنی سیاست‌های نوعثمانی‌گری وی. طیب اردوغان در سخنرانی پس از پیروزی آن را به مردم اردن، مصر، تونس، شام، ساریوو و قبرس تبریک گفت و تأکید کرد که امروز نه تنها از میر و دیاربکر، بلکه نابلس، جنین، رام‌الله، غزه و بیت‌المقدس نیز پیروز شده‌اند. اوزکان معتقد است عبارت پان‌اسلامیسم رساتر از عبارت نوعثمانی‌گری است، زیرا ایدئولوژی عثمانی غیرمسلمانان را نیز شامل می‌شد، ولی رویکرد داود اوغلو بیشتر شبیه سیاست‌های پان‌اسلامیستی دوره عبدالحمید دوم است، زیرا داود اوغلو معتقد است همان‌طور که سیاست‌های عبدالحمید فروپاشی عثمانی در اواخر قرن نوزدهم را متوقف کرد، همان رویکرد ایجاد همبستگی اسلامی می‌تواند ترکیه را به رهبر خاورمیانه پس از جنگ سرد تبدیل کند (Alaranta, 2015: 13). تاریخ اوغوزلو معتقد است سیاست خارجی ترکیه خاورمیانه‌ای است و از این پس ترکیه بیشتر از تحولات خاورمیانه متأثر خواهد شد تا اروپا (Oğuzlu, 2008: 3-4). انسجام و همبستگی اسلامی در نوع رویکرد حزب عدالت و توسعه در رابطه با رژیم صهیونیستی نقش اصلی بر عهده دارد (Cohen and Charles, 2014: 40).

(ب) تغییر موازنه قدرت داخلی

اسلام‌گرایان نه تنها از عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا استقبال می‌کنند، بلکه به کمالیست‌ها انتقاد می‌کنند که به بهانه‌های امنیتی از انجام اصلاحات جدی مورد نظر اتحادیه اروپا طفره می‌روند، زیرا با رعایت معیارها و استانداردهای اتحادیه اروپا و انجام اصلاحات درخواستی نه تنها فضای سیاسی برای فعالیت اسلام‌گرایان مهیا می‌شود، بلکه از نقش نظامیان در سیاست کاسته می‌شود. عضویت در اتحادیه اروپا می‌توانست باعث تسهیل انجام خواسته‌های اسلام‌گرایان در جامعه ترکیه شود، نیازهایی که همواره از سوی گفتمان رسمی ترکیه نقض شده است (Yavuz, 2003: 56-64). تجربه فشارهای شدید مراکز کمالیستی بر اسلام‌گرایان باعث می‌شود که از طریق ابزار دموکراسی، حقوق بشر، حاکمیت قانون و ... به دنبال محافظت از خود باشند (Yavuz, 2005: 344). نخبگان سیاسی، مراکز قضایی و نظامیان که خود را مدافع اصول سکولاریستی در ترکیه می‌دانستند در مقابل اسلام‌گرایان قرار داشتند و با اصلاحات مخالفت می‌کردند.

ارتش ترکیه به واسطه منافع که از توسعه روابط با رژیم صهیونیستی داشت همواره از مدافعان رابطه دو کشور بوده است (Cohen and Charles, 2014: 40). رابطه با رژیم صهیونیستی برای ارتش نه تنها ابزاری مفید در زمینه مبارزه با تروریسم و جدایی طلبی کردی، تمرینات نظامی مشترک، دریافت فناوری نظامی و مبادلات اطلاعاتی بود، بلکه وسیله‌ای برای نمایش ماهیت سکولار جمهوری ترکیه به گروه‌های اسلام‌گرای داخلی نیز به شمار می‌رفت و یکی از منابع تنش بین اسلام‌گراها و نظامیان بود (Warning and Kardas, 2011: 45). نظامیان شدیداً بر این باورند که اتحاد ترکیه با رژیم صهیونیستی به آن‌ها این امکان را خواهد داد تا از عهده تهدیداتی که متوجه ترکیه است برآیند (Balci AND Kardes, 2012: 105). قبل از انجام اصلاحات توسط حزب عدالت و توسعه، ارتش قدرت زیادی داشت و وارد عرصه سیاست می‌شد که از نمودهای عینی آن می‌توان به کودتاهای صورت گرفته یا به نقش ارتش در گسترش رابطه با رژیم صهیونیستی اشاره کرد. برای مثال، در سال ۱۹۹۶ حزب اسلام‌گرای رفاه وقتی به قدرت رسید جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه متوجه کشورهای اسلامی شد. در پاسخ به آن سکولارها، به خصوص نظامیان در صدد گسترش رابطه با رژیم صهیونیستی برآمدند. سرانجام حزب رفاه اربکان با کودتای نرم یا کودتای پست مدرنیستی مجبور به کناره‌گیری از قدرت شد. ارتش ترکیه که از احترام فوق‌العاده‌ای در بین مردم برخوردار است در سال‌های اخیر چشم‌انداز دموکراتیک خود را وسعت بخشید و همپای تحولات سیاسی متحول شد. ارتش ترکیه سیاست‌های مداخله‌جویانه پیشین خود را در امور سیاسی کاهش داد و اجازه داده است تا کشور به سوی دموکراسی واقعی گام بردارد.

ج) اصلاحات دموکراتیک و نقش فزاینده افکار عمومی در سیاست خارجی

در ترکیه نه تنها گروه‌های اسلام‌گرا، بلکه دیگر گروه‌های سیاسی و اجتماعی با تجاوزات رژیم صهیونیستی به فلسطین به شدت مخالف‌اند. نظرسنجی‌های مختلفی در این رابطه صورت گرفته که همه آن‌ها گواه این نارضایتی است. در نظرسنجی‌ای در ترکیه نشان داده شده که ۳۹/۲ درصد پاسخ‌دهندگان علاقه‌مند به مسئله فلسطین‌اند و ۳۱/۴ درصد هم تا حدودی علاقه‌مندند. در مورد وظیفه ترکیه راجع به مسئله فلسطین ۱۵ درصد معتقدند که ترکیه باید حامی فلسطین باشد، ۳۸/۵ درصد معتقدند که ترکیه باید بدون دخالت در جنگ از فلسطین حمایت کند و ۴ درصد معتقدند که ترکیه باید از رژیم صهیونیستی حمایت کند (Bacik, 2001: 59). اصلاحات دموکراتیک حکومت اردوغان نیز زمینه را برای بروز و ظهور افکار عمومی فراهم کرد. وقتی مسئله افکار عمومی و هم‌دردی مردم ترکیه با مردم فلسطین و اصلاحات را با هم در نظر می‌گیریم نتیجه آن در زمینه رابطه با رژیم صهیونیستی پیش‌بینی شدنی است (Inbar, 2005: 46).

د) حملات رژیم صهیونیستی به مناطق فلسطینی با مشخصه جنایت ضدبشری

شکست مذاکرات فلسطین و رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۰ و شروع انتفاضه دوم در مناطق اشغالی روابط آنکارا و تل‌آویو را به سردی سوق داد. حملات رژیم صهیونیستی به مناطق مسکونی و سرکوب بی‌امان مردم فلسطین روابط ترکیه با رژیم صهیونیستی را در دنیای عرب و در عرصه داخلی به معضلی برای حزب عدالت و توسعه تبدیل کرد و زمینه‌ای را برای انتقاد مقامات آنکارا از رژیم صهیونیستی فراهم کرد (Balci and Kardas, 2012: 112). اردوغان حملات رژیم صهیونیستی به مناطق فلسطینی را در می ۲۰۰۴ جنایت علیه بشریت نامید (Bengio, 2009: 3). وی در اقدامی دیگر قتل شیخ احمد یاسین، رهبر حماس را تروریسم دولتی نامید (Tur, 2006: 159). در دیدار خالد مشعل از ترکیه در ۲۰۰۶ سخنگوی دفتر نخست‌وزیری رژیم صهیونیستی به شدت به این دیدار اعتراض کرد. عبدالله گل به عنوان وزیر خارجه دعوت از خالد مشعل به ترکیه را به منظور مک به صلح و مسئولیت بین‌المللی ترکیه دانست (Murinson, 1999: 959). در این دوره به نظر می‌رسد روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی نسبت به دهه ۱۹۹۰ رو به سردی گذاشت. رژیم صهیونیستی در برابر انتقادات و اقدامات غیردوستانه ترکیه سکوت در پیش گرفت و سعی در کاهش تنش‌های به وجود آمده کرد. عبدالله گل در ۳-۵ ژانویه ۲۰۰۵ به رژیم صهیونیستی سفر کرد. با وجود فشار اعراب در سازمان کنفرانس اسلامی خواست تا در مورد منازعه رژیم صهیونیستی - فلسطین واقع‌گرایی بیشتری از خود نشان دهد. طیب اردوغان در اجلاس اقتصادی داووس که چندی پس از جنگ ۲۲ روزه غزه برپا شده بود،

رئیس‌جمهور رژیم صهیونیستی را به آدم‌کشی و جنایت متهم و جلسه را به اعتراض ترک کرد. با این اقدام محبوبیت اردوغان در داخل ۱۰ درصد افزایش یافت و توجه جهان عرب را به عنوان قهرمان و مدافع مردم فلسطین به خود جلب کرد (Finkel, 2012: 87). حمله رژیم صهیونیستی به کاروان آزادی در می ۲۰۱۰ که از ترکیه برای شکست حصر نوار غزه صورت گرفت روابط دو کشور را بیش از هر زمانی بحرانی کرد؛ حمله‌ای که در آب‌های بین‌المللی صورت گرفت و تلفات انسانی زیادی با خود به بار آورد. این واکنش نشان می‌دهد که موضوع حقوق بشر و موازین حقوق بشردوستانه یکی از دال‌های گفتمان حزب عدالت و توسعه است که جنایت‌های رژیم صهیونیستی را همانند دول کمالیست قبلی ترکیه بر نمی‌تابد.

روابط اقتصادی ترکیه با رژیم صهیونیستی نشانه تفاوت گفتمان اسلام‌گرایی حاکم بر ترکیه با اسلام‌گرایی غرب‌ستیز

در دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه که از سال ۲۰۰۲ شروع شده است تا به امروز شاهد تنزل در روابط دیپلماتیک دو کشور آنکارا-تل‌آویو بوده‌ایم. به‌خصوص، پس از پیروزی مجدد این حزب در سال ۲۰۰۷ کاهش روابط چشمگیر بوده است. تنش به‌وجود آمده در همکاری‌های نظامی و بخش توریسم کاملاً نمایان است. بعد از حمله رژیم صهیونیستی به کاروان آزادی در آب‌های بین‌المللی سهم تجارت دفاعی کاهش چشمگیری یافت. در سپتامبر ۲۰۱۱ آنکارا اعلام کرد که روابط نظامی خود با رژیم صهیونیستی را به حال تعلیق درمی‌آورد. همچنین، ترکیه پروژه‌های نظامی خود با رژیم صهیونیستی را نیز به تعلیق درآورد؛ از آن جمله می‌توان به پروژه پنج میلیاردی دلاری ترفیع تانک‌ها اشاره کرد. بخش توریسم نیز از این تنش‌ها در امان نبود و سهم خود را از آن دریافت کرد. در روز بعد از حمله رژیم صهیونیستی به کاروان آزادی وزارت خارجه رژیم صهیونیستی اخطاریه‌ای منتشر کرد و در آن مردم رژیم صهیونیستی را از سفر به ترکیه به خاطر تهدیدات احتمالی بر حذر داشت (Haaretz, 2010).

علی‌رغم ناملايمات موجود در روابط دیپلماتیک، همکاری‌های نظامی و بخش توریسم، روابط تجاری دو کشور همچنان به روند صعودی خود ادامه داد. روابط اقتصادی ترکیه و رژیم صهیونیستی از اواخر ۱۹۹۰ رو به بهبودی نهاده و توافقنامه‌هایی بین دو کشور به امضا رسیده بود. در سایه این توافقنامه‌ها حجم تجارت بین دو کشور از ۴۴۹ میلیون دلار در سال ۱۹۹۶ به ۱/۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ رسید. در فاصله زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۸ نیز رشد ۱۴/۶ درصدی داشت. همچنین، رشد روابط تجاری در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۱ به میزان ۳۰/۷ درصد بود. در سال ۲۰۱۱ حجم تجارت دوجانبه به ۴/۴۴ میلیارد دلار و در سال ۲۰۱۴ به ۵/۶ میلیارد دلار دست یافت (Cagaptay and Evans, 2012; Turkish Statistics Institute, 2014). این روند

نشان از آن دارد که گفتمان اسلام‌گرایی در ترکیه با ادبیات اسلام‌گرایی ضدغربی و ضداسرائیلی (مانند ایران) تفاوت‌های اساسی دارد و امکان هم‌زیستی بین آن‌ها وجود دارد. به عبارت دیگر، گفتمان اسلام‌گرایی ترکیه در چارچوب پراگماتیسم سیاسی به مفصل‌بندی دال‌ها مبادرت کرده است.

نتیجه

پیروزی مجدد حزب عدالت و توسعه ترکیه در انتخابات سال ۲۰۰۷ و با درصد رأی بیشتر نشان می‌دهد که اقدامات و اصول اعلانی حزب مورد اقبال عموم واقع شده است. اسلام‌گرایان، گفتمان کمالیستی شدیداً غرب‌گرا در این کشور را به روش‌های دموکراتیک و مسالمت‌جویانه تضعیف کردند. گفتمان اسلامی در قالب حزب عدالت و توسعه علاوه بر رشد اقتصادی چشم‌گیر به دموکراتیزه‌شدن هر چه بیشتر جامعه ترکیه منجر شده بود. در نتیجه اصلاحات و دموکراتیزه‌سازی، افکار عمومی جایگاهی مناسب در عرصه سیاست خارجی پیدا کرده بود. سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم صهیونیستی در رابطه با مردم فلسطین نیز به ناخشنودی افکار عمومی از توسعه روابط با رژیم صهیونیستی منجر شد. اصلاحات و فرایند دموکراتیزه‌شدن از طرف دیگر باعث به حاشیه رانده‌شدن نظامیان از عرصه سیاست شد. به این ترتیب، یکی از عناصر اصلی تقویت‌کننده روابط ترکیه با رژیم صهیونیستی عملاً دچار افول شد. اما فاکتور مهم‌تر حاکمیت گفتمان نوع‌ثانی‌گری در سیاست خارجی بود. اسلام‌گرایان معتقدند حاکمیت گفتمان کمالیستی باعث غفلت از مناطق پیرامونی شده است، زیرا برای کمالیست‌ها رابطه با غرب اولویت بالایی دارد. بنابراین، نگاه سیاست خارجی ترکیه تک‌بعدی و واقعیت تاریخی و جغرافیایی ترکیه را نایده گرفته بود. در مقابل اسلام‌گرایان، به پیرامون‌گرایی و گسترش رابطه با کشورهای منطقه هم‌زمان با غرب و رژیم صهیونیستی توجه نشان دادند؛ موضوعی که به تنش نسبی در رابطه ترکیه با رژیم صهیونیستی منجر شد. این احتمال وجود دارد که گفتمان اسلام‌گرایی در آینده دچار تزلزل معنایی شود و سرنوشتی شبیه گفتمان کمالیستی پیدا کند. بنابراین، با بازگشت گفتمان‌های رقیب و هژمونی شدن آن‌ها می‌توان تغییر دوباره در سطح روابط دو کشور رژیم صهیونیستی و ترکیه را مشاهده کرد.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. بابی، سعید (۱۳۷۹)، هراس بنیادین. ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری. تهران: دانشگاه تهران.
۲. حسینی زاده، محمدعلی (۱۳۸۴)، "تحلیل گفتمان و تحلیل سیاسی"، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲.

۳. حقیقت، سید صادق (۱۳۸۵)، روش‌شناسی علوم سیاسی، قم، دانشگاه مفید.
۴. سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۳)، قدرت گفتمان و زبان، تهران: نشر نی.
۵. طباطبایی و فضل‌خانی (۱۳۹۲)، "سیاست خارجی ترکیه در قبال بیداری اسلامی در جهان عرب"، پژوهشنامه روابط بین‌الملل (علوم سیاسی و روابط بین‌الملل)، دوره ۷، شماره ۲۵.
۶. عضدانلو، حمید (۱۳۷۵)، درآمدی بر گفتمان یا گفتمانی بر گفتمان، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۰۳.
۷. محمدرضا تاجیک (۱۳۸۳)، «گفتمان، یادگفتمان و سیاست»، مؤسسه توسعه علوم انسانی، تهران.
۸. محمدرضا تاجیک (۱۳۷۹)، گفتمان و تحلیل گفتمانی، تهران، انتشارات فرهنگ گفتمان.
۹. منوچهری، عباس (۱۳۹۰)، رهیافت و روش در علوم سیاسی، سمت، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۱۰. هوارث، دیوید (۱۳۷۷)، «نظریه گفتمان»، ترجمه سیدعلی‌اصغر سلطانی، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲.
۱۱. هوارث، دیوید (۱۳۷۸)، نظریه گفتمان فدر دیوید مارش و جری استوکر (ویراستار)، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیر محمد حاج یوسفی، تهران پژوهشکده مطالعات راهبردی

ب) خارجی

12. Akdogan, Y. (2003), Muhafazakari Demokrasi, Ankara, Alfa Basim Yayin.
13. Alaranta, Toni (2015), A Critical Evaluation of Turkey's EU Negotiation from the Perspective of the Finnish Institute of International Affairs, available at: <http://www.isn.ethz.ch/Digital-Library/Publications/Detail/?lng=en&id=187982>
14. Arbell, Dan (2014), "the U.S-Turkey-Israel Triangle", the Center for Middle East Policy, at BROOKING., available at: http://www.brookings.edu/~media/research/files/papers/2014/10/09-turkey-us-israel-arbell/us_turkey_israel_triangle_arbell.pdf
- 14- Aydin, Mustafa (1999) "Determinants of Turkish foreign policy: historical framework and traditional inputs", Middle Eastern Studies, 35/4
15. Bacik, Gokhan. (2001), "the Limits of an Alliance: Turkish-Israeli Relation Revisited", Arab Studies Quarterly (ASQ), Volume, 23 Number 3 Summer, 49.
16. Bal, Idris (2000), Turkey's Relations with the West and the Turkic Republics: The Rise and Fall of the "Turkish Model", (Aldershot, England: Ashgate.).
17. Balci, Ali and Kardas, Tuncay (2012), "The Changing Dynamics of Turkey's Relations with Israel," Insight Turkey, XIV: 2.
18. Bengio, Ofra. (2004), The Turkish-Israeli Relationship, Changing Ties of Middle East Outsiders, New York, by Palgrave Macmillan First Published.
19. Bugra Kanat, Kilic (2010), "Ak Party's Foreign Policy", Insight Turkey, Vol. 12, No. 1.
20. Byrant, R.; Hatay, M., eds. (2013), Soft Politics and Hard Choices: An assessment of Turkey's new regional diplomacy. Peace Research Institute Oslo (PRIO)
21. Cagaptay, Soner and Evans, Tyler (2012), The Unexpected Vitality of Turkish-Israeli Trade, The Washington Institute for Near East Policy, available at: <http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/the-unexpected-vitality-of-turkish-israeli-trade-relations>
22. Cohen, Matthew S. and Charles D. Freilich (2014), "Breakdown and Possible Restart: Turkish-Israeli Relations under the AKP", Israel Journal of Foreign Affairs, VIII: 1.
23. Dagi, I. D. (2005), "Transformation of Islamic Political Identity in Turkey: Rethinking the West and Westernization," Turkish Studies, 6(1).
24. Davutoğlu, Ahmet (2001), Stratejik Derinlik: Türkiye'nin Uluslararası Konumu, Küre Publishing, Istanbul.
25. Dinc, C. & Yetim, M. (2012), "Transformation of Turkish Foreign Policy toward the Middle East: From Non-Involvement to a Leading Role", Alternative Turkish Journal of International Relations, Vol. 11, No. 1.
26. Finkel, Andrew (2012), Turkey: What Everyone Needs to Know, Oxford, Oxford University Press.
27. Gerecht, R.M. (2011), The Wave: Man, God and the Ballot Box in the Middle East, Hoover Institution Press Publication.

28. Gole, N. (1995), *Authoritarian secularism and Islamist politics: the Case of Turkey*, A. R. Norton (ed.), *Civil Society in the Middle East*, Leiden: E. J. Brill.
29. Graham, F.(2003), *The Future of Political Islam*, New York: Palgrave.
30. GrigoriadisLoannis,N.(2010),. "The Davutoğlu's Doctrine Doctrine and Turkish Foreign Policy", *Middle Eastern Studies Programme (Working Paper)*, NO.8
31. Gul A. (2004), At the Symposium "Turkey and the EU – Looking Beyond Prejudic. "Maastricht , April 4-5: <http://www.abdullahgul.gen.tr/EN/Main.asp>.
32. Gürzel, Aylin (2014), "Turkey's Role as a Regional and Global Player and its Power Capacity: Turkey's Engagement with other Emerging States", *Rev. Sociol. Polit.*, V. 22, n. 50 .
33. Hudson, Valerie M. (2007). *Foreign Policy Analysis: Classic and Contemporary Theory*. Lanham, MD: Rowman&Littlefield
34. Jorgensen,M.&L.Phillips(2002),*Discourse Analysis as Theory and Method*,London: Sage Publication
35. Inbar, Efraim (2005),“The Resilience of Israeli–Turkish Relations,” *Israel Affairs*, XI: 4
36. Keddie, Nikki R. (2003): "Secularism and Its Discontents," *Dædalus*, 132:3.
37. Kuru, F. (1999), 'Misgibiyapmak', *Yenisafak*, 18 February.
38. Laclau, E, Mouffe, C. (1985). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*. London: Verso.
39. Laclau, E, (1990), *New Reflections on the Revolution of our Time*, (London: verso),
40. Laclau (Ed), (1994), *The Making of Political Identities*, (London: verso),
41. Murinson,Alexander (2007),“The Strategic Depth Doctrine of Turkish Foreign Policy” *Middle Eastern Studies*, Vol.42, No.6.
42. Oğuzlu, Tarık (2008) “Middle Easternization of Turkey’s Foreign Policy: Does Turkey Dissociate from the West?” , *Turkish Studies*, 9(1).
43. Smith, Anna Marie, (1998), *Laclau and Mouffe: The Radical Democratic Imaginary*, routledge .
44. Taniyici, S. (2003), “Transformation of Political Islam in Turkey: Islamist Welfare Party s Pro-EU Turn ”, *Party Politics*, 9(4).
45. TÜR, Özlem (2006); *TürkiyeveOrtaDoSu: GerilimdenHTbirlisine, i n (ed). DA ZI, Zeynep, Dogudan Bat Tya D TW Politika: AK PartiliYTllar*, Orion Publishing
46. Yavuz, M. H. (2003), *Islamic Political Identity in Turkey*, Oxford: Oxford University Press.
47. Yavuz, M. H. (2005), *ModernlesenMuslumanlar* , Istanbul, KitapYayinevi.
48. Warning, Martina and Kardas, Tuncay(2011) , “The Impact of Changing Islamic Identity on Turkey’s New Foreign Policy,” *Turkish Journal of International Relations*, X:2/3.